



سال دوم، شماره پنجم، زمستان ۱۳۹۱

صص ۳۳ - ۵۸

انسجام اجتماعی شهری و عوامل مرتبط بر آن در شهر کرمانشاه

مهرداد نوابخش^۱، آمنه فیروزآبادی^۲

چکیده

بررسی موضوع انسجام اجتماعی در جامعه و دلایل کاهش یا افزایش آن از حیث نظری و تجربی، روندی تاریخی دارد. در هر جامعه‌ای باید حداقلی از وحدت در زمینه ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی وجود داشته باشد تا هم‌نواپی و مشارکت بین افراد جامعه به وجود آید. انسجام اجتماعی پدیده‌ای نیست که یک بار برای همیشه بررسی شود، بلکه نیازمند بازسازی و بازتولید مستمر است؛ به همین دلیل هدف تحقیق حاضر بررسی برخی عوامل مرتبط با انسجام اجتماعی در شهر کرمانشاه است. داده‌های این تحقیق با استفاده از روش پیمایش از یک نمونه ۴۰۰ نفری در شهر کرمانشاه که با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند، به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شد. بر اساس یافته‌های تحقیق رابطه مستقیم و معناداری بین متغیرهای اعتماد اجتماعی ($r=0/512$)، اعتماد نهادی ($r=0/300$) و مشارکت اجتماعی ($r=0/214$) با انسجام اجتماعی وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که در مجموع همه متغیرهای مستقل بجز رضایت از زندگی با متغیر وابسته رابطه معناداری دارند.

واژه‌های کلیدی: همبستگی، انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی، رضایت از زندگی، روابط اجتماعی.

۱- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسؤول)

Mehrdad_Navabkhash@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت

firoozabadir8@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۱/۶/۴

مقدمه

پایداری و استمرار حیات اجتماعی و فرهنگی یک جامعه در گرو همبستگی بین اجزا و عناصر سازنده ساختار اجتماعی آن جامعه است. انسجام، توافق در ارزشها و نگرشهاست و در فرایندی اجتماعی متولد می‌شود و محصول کنش عقلانی است. از طرف دیگر انسجام اجتماعی پدیده‌ای نیست که یک بار برای همیشه بررسی شود، بلکه نیازمند بازسازی و بازتولید مستمر است. در گذشته نوعی سرمایه اجتماعی، مردم شهر و روستا را به هم پیوند می‌داد و سادگی سیستمهای اجتماعی دارای انسجام درونی و ساده‌ای بودند. افزایش در حجم واحدهای اجتماعی پیوسته با افزایش در پیچیدگی ساختارهایشان همراه است (کوزر، ۱۳۸۳: ۱۳۸). به نظر اسپنسر افزایش در حجم جوامع که با رشد جمعیت مشخص می‌شود، باعث تمایز ساختی و کارکردی در جامعه می‌شود. تمایز روزافزون با وابستگی متقابل فزاینده و ادغام هرچه بیشتر اجزا همراه است. با پیشرفت فرایند تکامل، همبستگی کارکردها بیشتر می‌شود؛ این همبستگی است که هم حیات کل را می‌سازد و هم ادامه زندگی اجزا را امکان‌پذیر می‌سازد. در نتیجه هرگاه اجزا تمایز کمی از یکدیگر داشته باشند، می‌توانند کارکردهای یکدیگر را به آسانی انجام دهند؛ اما اگر اجزا به اندازه کافی از یکدیگر تمایز پیدا کرده باشند، نمی‌توانند وظایف یکدیگر را انجام دهند؛ از این رو ساختار جوامع پیچیده، شکننده‌تر از ساختار جوامع ساده است (کوزر، ۱۳۸۳: ۱۳۹). با این اوصاف جامعه امروزی جامعه‌ای پیچیده است و در آن انسجام شکننده‌تر از جوامع ساده گذشته است. بشر از دیرباز به دنبال گسترش تعاملات و ارتباطات خود به منظور رفع نیازهای اساسی خود بوده است و بر این اساس سنگ بنای تعامل و انسجام میان آنها، شاه‌کلید غلبه بر ناملازمات محیطی و اجتماعی بوده است. امروزه نیز با تحول جوامع و پیچیدگی ساختاری آنها، مسأله انسجام اجتماعی هدف بسیاری از پژوهشها و بررسی‌هاست. انسجام اجتماعی بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دلالت دارد، به عبارتی انسجام در کل، ناظر بر میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنشگران، گروهها و خرده‌فرهنگهای تمایز یافته است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۸۶). انسجام اجتماعی در یک حوزه تعاملی معین، شکل و

معنا پیدا می‌کند. دورکیم احساسی را که در میدان تعاملی به‌وجود می‌آید، عاطفه جمعی^۱ می‌نامد. از نظر دورکیم عاطفه جمعی عمیق‌تر طی مناسک جمعی به‌وجود می‌آید و بدین نحو موجبات افزایش و تحکیم انسجام اجتماعی را فراهم می‌کند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۸۶-۲۸۷). دورکیم تشخیص داد که انسجام اجتماعی در جوامع ارگانیکی به روابط متقابل در میان واحدهای اجتماعی که به وسیله «قرارداد» تنظیم می‌شود و همچنین به تنظیم رفتارهای درون واحدهای اجتماعی از طریق هنجارهای مادی، بستگی دارد (ریتزر، ۲۰۱۱: ۸۶). در جهان امروز حفظ و نگهداری هویت‌های فرهنگی در چارچوب ملت‌سازی معنا و مفهوم پیدا می‌کند (رضوی آل‌هاشم و همکاران، ۱۳۸۸: ۱). امروزه مفهوم انسجام و همبستگی ملی و اجتماعی به عنوان اهرمی توفیق‌آفرین و اساس هویت و اعتبار جامعه مورد اقبال فراوان واقع شده است (نیازی، ۱۳۹۰: ۴۸). با این تفاسیر بررسی وضعیت انسجام اجتماعی می‌تواند باعث حل مسائل و تنش‌های قومی و هموار کردن مسیر توسعه و توسعه اجتماعی شود.

بررسی مفاهیم اصلی پژوهش

انسجام اجتماعی:

انسجام اجتماعی بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دلالت دارد؛ به عبارتی انسجام در کل ناظر به میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنشگران، گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های تمایز یافته است (افروغ، ۱۳۷۸: ۱۴۰). انسجام اجتماعی، به معنای استحکام درونی و مترادف با وحدت اجتماعی است. به تعبیر فرهنگ لاروس انسجام اجتماعی، موقعیت گروهی است که یک مجموعه کاملاً پیوسته را در بر می‌گیرد. فرهنگ جامعه‌شناسی آلموند کولین انسجام اجتماعی را توافق افکار، احساسات و اعمالی توصیف می‌کند که وحدت یک گروه یا یک جامعه را مشخص می‌کند (پترز، ۲۰۰۹: ۴).

مفهوم انسجام در شهر

مفهوم همبستگی در شهر، از انواع مختلف ارتباطات نیرومند عاطفی و اجتماعی ساکنان حکایت دارد. در این صورت، ارزشهای اجتماعی، اعتقادی و اقتصادی مشترک، عامل تعیین‌کننده‌ای در تأمین نسبی همبستگی اجتماعی شهروندی محسوب می‌گردند. پر واضح است که مقوله همبستگی اجتماعی نوع شهری در درون خود با تناقض‌های متعدد روبروست که نخستین آنها، عدم تعیین در مرز نهایی همبستگی و یا عدم همبستگی اجتماعی است، دیگر اینکه معیارها و شاخصهای تعیین‌کننده همبستگی اجتماعی بسیار سیال هستند و ممکن است از هر منطقه جغرافیایی به منطقه دیگر تفاوت معناداری داشته باشند. این مفهوم که نخستین بار در دوران جدید، معنای ضمنی خود را از علوم تجربی عاریه گرفته است، ناظر به اتصال ممتد اشیا و عناصر است. «در علوم فیزیکی، اجزای ادغام شده، اجسامی ساده یا مرکب هستند که با توده شباهت دارند و تشکیل‌دهنده آن شمرده می‌شوند» (بیرو، ۱۳۷۰: ۱۸۲).

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

زندگی اجتماعی انسان در هر شکل و مرحله‌ای از توسعه با نوعی همبستگی اجتماعی همراه بوده است؛ بویژه در مراحل اولیه حیات اجتماعی، پیوستگی و همکاری بین افراد به منظور مقابله با خطرهای محیط طبیعی، همبستگی اجتماعی را موجب می‌گردید (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۱۰). بدون همیاری مشترک اولیه، امکان تداوم حیات و یا تأمین نیازهای انسانی امکان‌پذیر نبوده است. در واقع، زندگی گروهی عبارت است از گرد هم آمدن تعدادی از افراد انسان پیرامون یکدیگر تا از طریق تراکم انرژی و توان، امکان مقاومت در برابر محرکهای مقابله‌کننده طبیعی را کاهش دهند و راه را برای بهره‌وری بیشتر از نتایج آن فراهم گردانند. از این طریق و در متن همکاری و رابطه مشترک اجتماعی میان افراد، آداب و قواعد ایجاد همبستگی توسعه یافته است و تداوم آن باعث تولید اقتصادی و فرهنگ زندگی گروهی گردیده است؛ از این رو، به نقل از مورخان و مردم‌شناسان می‌توان گفت؛

همبستگی در قالب گروه‌های ساده اولیه و تمرکز پیرامون اصول و ارزشهای مشترک، از جمله ویژگیهای عمده زندگی اجتماعی در جوامع گذشته محسوب می‌گردد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۱۱). در حال حاضر اکثریت کشورهای جهان، چندقومیتی و چندفرهنگی هستند. در جهان امروز حفظ و نگهداری هویت‌های فرهنگی در چارچوب ملت‌سازی معنا و مفهوم پیدا می‌کند (رضوی آل‌هاشم و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶). بررسی وضعیت انسجام در هر جامعه‌ای لازمه برنامه‌ریزیهای اجتماعی آن جامعه است. در بسیاری از شرایط، جوامع دارای سیاستهای قومی و منطقه‌ای پیچیده‌ای هستند که منازعات قومی و قبیله‌ای را تسریع می‌کند و قومیت‌ها را در وضعیت نامتعادلی قرار می‌دهد. در بسیاری از کشورهای جهان سوم و حتی کشورهای صنعتی، تفاوت بارزی در انسجام اجتماعی بین مردم وجود دارد. وضعیت انسجام در کشور ما با وجود در حال گذار بودن جامعه، نتوانسته موضوع قومیت‌ها را به عنوان منبع ایجاد عدم انسجام و گسست فرهنگی و اجتماعی از درجه اعتبار ساقط سازد. اهمیت مسأله قومیت در جوامع، با وجود تنوع نژادی و فرهنگی به حدی است که می‌تواند امنیت ملی جوامع را تهدید و یا تضمین نماید. با توجه به اینکه دولت‌ها به منظور ادامه حاکمیت خود به دنبال امنیت ملی هستند، بنابراین موفقیت آنها تا حد زیادی به روشها و نحوه ایجاد انسجام و تعامل اجتماعی که در مقابل قومیت‌ها اتخاذ می‌کنند بستگی دارد (رضوی آل‌هاشم و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۲). در بسیاری از جوامع سنتی که از گروه‌های متفاوتی تشکیل شده‌اند، وابستگی‌های متقابل و نقشهای اجتماعی متفاوتی وجود دارد که این توافقات برای تداوم و ثبات به انسجامی نیاز دارند که حل مسائل اجتماعی و کاهش تنش‌ها را سبب می‌گردد. انسجام اجتماعی ناظر بر پیوندها و ارتباطات میان اعضای شبکه‌های اجتماعی و مبین کنش‌های معین و مشخصی از کنشگران در درون ساختارهای اجتماعی است. از جمله نتایج مهم انسجام، یکپارچگی گروه در رسیدن به هدف است؛ در این صورت توافق و هماهنگی بیشتری از سوی گروه بر روی موضوع‌ها و پدیده‌ها حاصل می‌شود، در نتیجه کارایی افزایش می‌یابد، به طوری که فرآیند زمانی رسیدن به هدف کاهش می‌یابد و افراد گروه با آرامش و امنیت روانی بهتری فعالیت می‌کنند؛ زیرا امید

دستیابی به موفقیت در آنان افزایش یافته و فعالیتها از سوی اعضا مفید و سازنده ارزیابی می‌شود (نوابخش و همکاران، ۱۳۸۸: ۴ - ۳). شاید بتوان گفت صرف نظر از پاره‌ای اشارات تاریخی و اجتماعی در میان آثار فلاسفه یونانی و نیز مورخان مسلمان، ابن خلدون برای نخستین بار به شکلی عالمانه و نقادانه، موضوع انتقال از نواحی بادیه‌نشین به شهرنشین را محور بررسی قرار داده و درصدد برآمده که دلایل کاهش همبستگی‌های اجتماعی و اخلاقی را در مناطق شهری مورد مطالعه علمی قرار دهد (موسوی، ۱۳۸۱: ۱۱۴). انسجام ملی به ترکیبی از همگرایی و انسجام اجتماعی متکی است که جامعه باثبات را بر مبنای یک تکثر فرهنگی در یک دولت چند قومیتی مبتنی بر دموکراسی بنا می‌کند. نتیجه این انسجام ملی، ایجاد یک دولت ملی است که برای حل مسائل قومیت‌های داخل خود به راه‌حل‌های دموکراتیک و انسانی‌تری متوسل می‌شود؛ بنابراین بررسی این مسأله در جوامع دارای قومیت‌های گوناگون، از جمله شهر کرمانشاه اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند و همواره نیاز به بررسی‌های علمی در این حوزه را طلب می‌کند. به نظر دورکیم همبستگی مکانیکی در جامعه‌ای رواج دارد که افکار و گرایشهای مشترک اعضای جامعه از نظر کمیت و شدت از افکار و گرایش‌های شخصی اعضای آن بیشتر باشند. این همبستگی تنها می‌تواند به نسبت معکوس رشد فردیت، پرورش یابد؛ به عبارتی همبستگی مکانیکی در جایی رواج دارد که حداقل تفاوت‌های فردی وجود داشته باشند و اعضای جامعه از نظر دلبستگی به خیر همگانی، بسیار همسان یکدیگر باشند. همبستگی ناشی از همانندی، زمانی به اوج خود می‌رسد که وجدان فردی یکایک اعضای جامعه، منطبق با وجدان جمعی پرورش یابد و از آن نظر با آن یکی شود؛ برعکس، همبستگی ارگانیک نه از همانندی‌های افراد جامعه بلکه از تفاوت‌هایشان پرورش می‌یابد. اینگونه همبستگی فرآورده تقسیم کار است، هرچه کارکردهای یک جامعه تفاوت بیشتری یابند، تفاوت میان اعضای آن نیز فزون‌تر خواهد شد (کوزر، ۱۳۸۳: ۱۹۰).

موضوع کاهش همبستگی‌های اجتماعی در کلانشهرهای جدید بویژه در شهرهای کشورهای موسوم به در حال توسعه، به شکل نگران‌کننده‌ای توجه برنامه‌ریزان شهری را به

خود جلب کرده است و از آنجا که شهر کرمانشاه، کلانشهری است با قومیت‌های مختلف، بررسی عوامل موثر بر انسجام اجتماعی در این شهر ضروری می‌نماید. انسجام اجتماعی از جمله مؤلفه‌های توسعه اجتماعی است که تأثیر بسیار زیادی بر توسعه بومی مناطق دارد.

پیشینه تحقیق

ازکیا و غفاری (۱۳۸۳) در پژوهشی به بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته روستاییان در نواحی روستایی شهر کاشان پرداختند. نتایج تحقیق، بر وجود نوعی رابطه متعامل بین این دو متغیر گواهی می‌دهد. انسجام اجتماعی در قالب سه شاخص گرایش روستاییان نسبت به یکدیگر، میزان تعامل اجتماعی و میزان نزاع در بین روستاییان سنجش شده و مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته از طریق مؤلفه‌های عضویت مشارکتی، موقعیت مشارکتی، مشارکت در اجرا و مشارکت در تصمیم‌گیری مورد سنجش قرار گرفته است. با بررسی رابطه بین دو متغیر مورد مطالعه، مشخص شده است که در سطح اطمینان ۹۹ درصد، همبستگی معناداری به میزان $0/41$ در بین آنها وجود دارد. (ص: ۱۷۶)

ربانی و حبیبی (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی نقش فضاهای شهری در ایجاد سرمایه اجتماعی در شهر شهرکرد پرداختند. نتایج تحقیق بر وجود رابطه معنادار بین وضعیت کیفی فضاهای شهری با ابعاد تناسب، هویت، سرزندگی و دسترسی به فضای شهری و سرمایه اجتماعی با ابعاد اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی گواهی می‌دهد. (ص: ۱۵).

نیازی و فرشادفر (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی رابطه بین میزان اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال و مناطق جنوب شهر تهران پرداختند. در بخشی از تحقیق نشان داده شد بین اعتماد اجتماعی زنان شمال تهران و جنوب تهران با ۹۹ درصد اطمینان، تفاوت معناداری وجود دارد، به گونه‌ای که میانگین اعتماد اجتماعی زنان مناطق جنوب شهر تهران بالاتر از زنان مناطق شمال تهران است و فرضیه صفر رد می‌شود. (ص: ۱۶۹).

ورگالنی (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان انسجام اجتماعی در اروپا به بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و نابرابری‌های اجتماعی در اروپا پرداخته است. از نظر وی نابرابری در سطحی کلی بر انسجام اجتماعی تأثیرگذار است؛ بطور دقیقتر، رابطه معناداری بین دو فرضیه اصلی تحقیق: نابرابری اقتصادی و انسجام اجتماعی وجود دارد. همچنین این رابطه تحت تاثیر جنبه‌های دیگری از نابرابری‌های اجتماعی از قبیل موقعیت افراد در نظام قشربندی و سطح آموزش و پرورش آنهاست (ص: ۱۹۷).

از نظر راجلتون و همکارانش (۲۰۰۷) سنجش انسجام اجتماعی با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده توسط فرد اندازه‌گیری می‌شود. در اینجا انسجام اجتماعی به عنوان یک ویژگی از سیستم اجتماعی، اندازه‌گیری شده و در سطح کلان تبیین می‌شود. شاخص‌های اصلی مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از: نرخ جرم و جنایت، نرخ بیکاری، سطح آموزش و پرورش، نگرش‌های نژادپرستانه، شاخص نابرابری درآمد، دسترسی به مزایای اجتماعی و مشارکت اجتماعی که میزان انسجام را در جامعه تحت تأثیر قرار داده است (ص: ۴۶۶).

ورث در مقاله معروف خود با عنوان «شهرگرایی به عنوان شیوه‌ای از زندگی» شهر را چنین تعریف می‌کند: «جایگاه نسبتاً بزرگ، متراکم و دائمی افرادی که به لحاظ اجتماعی و فرهنگی ناهمگونند». به نظر ورث عواملی که نظام اخلاقی سست را پدید می‌آورند، عبارتند از اینکه در جامعه شهری، قیدهای خویشاوندی و رسوم همسایگی و سایر عواطفی که ممکن است در میان افراد یک اجتماع قومی وجود داشته باشد، به دلیل پشتوانه‌های گوناگون افراد وجود ندارد و یا در بهترین حالت خود بسیار ضعیف است. از این رو، ضعیف شدن وابستگی‌های خویشاوندان قدیم، وابستگی‌های خویشاوندی کاذبی را به وجود می‌آورد. در ازای از بین رفتن وحدت منطقه، به عنوان زمینه انسجام اجتماعی سعی می‌شود واحدهای سودجویانه‌ای به وجود آید؛ از این رو، در شهر رقابت و مکانیسم‌های کنترل صوری، بر خلاف کنترل درونی در جوامع سنتی، جایگزین رسوم همکاری و همدردی و همبستگی که خالص جوامع قومی است می‌گردد» (افروغ، ۱۳۷۷: ۱۸).

ورث کاهش همبستگی اجتماعی در شهر و یا در میان شهرنشینان را حاکی از چگونگی توسعه روابط اجتماعی در دوره جدید می‌داند. به دلایل مختلف اشکال مختلف روابط اجتماعی دستخوش تغییر گردیده است. وی معتقد است شهر، عرصه کالبدی روابط اجتماعی است. در دهه‌های اخیر با وجود توسعه شهرنشینی، روابط اجتماعی در شهرها رو به ضعف نهاده و این امر، آثار منفی بسیاری برجا نهاده است که از آن جمله می‌توان به افسردگی‌ها و ناراحتی‌های روانی‌ای که در میان شهروندان پدیدار شده است، اشاره کرد. همچنین کاهش میزان همکاری مردم با یکدیگر در اداره امور شهر، از آثار منفی ضعف روابط اجتماعی و انسجام اجتماعی است» (احمدی، ۱۳۷۰: ۴۸).

مبانی نظری پژوهش

امیل دورکیم با طرح نظریه همبستگی اجتماعی، مشارکت را چگونگی عمل، تفکر و احساسی می‌داند که خارج از فرد بوده و دارای قوه اجبار و الزام است و به واسطه آن خود را به فرد تحمیل می‌کند؛ از این رو دورکیم انسجام را در واقعیت‌های بیرون از اشخاص (محیط بیرونی) جستجو می‌کند. وی دو معیار را برای تعیین خصوصیات انسجام تعیین می‌نماید:

- ۱) خارجی بودن حالات عمل، فکر و احساس در رابطه با اشخاص
 - ۲) جبر و فشار وارده بر اشخاص (تنهایی، ۱۳۷۵: ۹۵).
- دورکیم احساسی را که در میدان تعاملی به وجود می‌آید، وجدان جمعی می‌نامد و جوامع را بر اساس درجه فشاری که وجدان جمعی به افراد آن وارد می‌آورد و درجه خودمختاری که برای وجدانهای فردی گذاشته است، متفاوت می‌داند و بر این اساس به دو نوع همبستگی در جامعه اشاره می‌کند (ریتزر، ۲۰۱۱: ۸۵): همبستگی مکانیکی که از راه تشابه‌ها و تجانسها به وجود می‌آید و همبستگی ارگانیک که بر اساس افتراقهاست.
- تالکوت پارسونز انسجام اجتماعی را در دو نظام شخصیت و نظام اجتماعی مورد بررسی قرار داده است. به نظر او در هر مرحله پس از تفکیک و پیدایش تنش‌ها،

سازگاری‌هایی از سوی اجزای نظام برای رسیدن به وضعیت تعادل جدید صورت می‌گیرد. وی انسجام اجتماعی را مجموعه سازگاری‌هایی می‌داند که برای ایجاد شرایط لازم برای بقا و وضع تفکیک یافته، توسط دیگر اجزای سیستم صورت می‌گیرد تا شرایط لازم برای سیستم به عنوان یک کل پویا فراهم گردد. (کوهی، ۱۳۸۲: ۵۶). پارسونز در تحلیل انسجام در سطح نظام اجتماعی به کنش‌های اظهاری (کنش‌هایی که معطوف به دستیابی هدفی خارج از موقعیت، واسطه کنش نیستند و غایت این کنش‌ها در خودشان قرار دارد) اشاره نموده است. وی معتقد است هرگاه در موقعیت‌های اجتماعی، کنش‌های اظهاری فرد معطوف به دیگران باشد، به همکاری و انسجام با دیگران می‌انجامد. سطح بالای انسجام زمانی است که کنش‌های افراد اخلاقی و معطوف به یک جمع باشد. در این کنش‌ها مسئولیت و وفاداری در قبال دیگران و جامعه به حد اعلای خود می‌رسد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۴۵) بنابراین، انسجام اجتماعی همیشه اصل و مقدم بوده است.

ساختهای اساسی زندگی نظیر الزام اخلاقی و مالکیت اموال شخصی از مفهوم اساسی گروه ناشی شده‌اند. دورکیم می‌گوید: تفاوت اصلی میان جوامع باستان و جوامع جدید، به شیوه‌های دستیابی آنها به وحدت و یگانگی آنان مربوط می‌شود مثلاً مطالعه اصول حقوقی و قانونی نشان می‌دهد که اجتماعات اولیه معمولاً بر «انسجام مکانیکی» مبتنی بودند. رفتار نیک از طریق تنبیه (غالباً سخت) کسانی که اصول اخلاقی گروه را نقض می‌کنند، تداوم می‌یابد؛ چنین کاری، تحکیم بیرونی و خارجی اصول اخلاقی است. از طرف دیگر، در دوره‌های جدیدتر، الگوی متفاوت «انسجام ارگانیکی» جایگزین الگوی قبلی می‌شود؛ معنی تعهد اخلاقی به نحو دیگری توسعه می‌یابد، زیرا در عصر جدید تقسیم کار وجود دارد و افراد مختلف می‌توانند کارهای مختلفی را انجام دهند. در اینجا تعهد اخلاقی از تهدید به تنبیه ناشی نمی‌شود، بلکه از نیازی که هر شخص به کار دیگران دارد، سرچشمه می‌گیرد. در اینجا تحکیم اصول اخلاقی باید درونی شود. جوامع باستان نیز «وجدان جمعی» وسیع و نیرومندی داشتند، در آن جوامع تقریباً در تمام امور مربوط به رفتار انسان، توافق یکنواختی راجع به اینکه چه چیزی درست است و چه چیزی نادرست، وجود داشت. جوامع جدید،

که بر عکس، با فردگرایی اخلاقی مشخص می‌شوند، هنوز به یک بنیان و اساس اخلاقی مشترک نیاز دارند ولی به دلیل اینکه آنها تنوع بیشتر فردی و آزادی شخصی را مجاز کرده‌اند، قلمرو وجدان جمعی آنها محدودتر است. این وجدان جمعی، به چند دستور و الزام معدود محدود می‌شود (پالس، ۱۳۸۲: ۸). بنابراین، به نظر می‌رسد دورکیم معتقد است که همبستگی در هر نوع آن، بیانگر درجه توافق بالای گروه یا جامعه و سهم بودن آنها در ارزشها، باورها و وحدتی اخلاقی است که عمده‌تأ منشأ دینی و مقدس دارد. همچنین مفهوم انسجام اجتماعی به عنوان یک فرایند هدایت شده به سمت دستیابی به یک هدف مشخص تعریف شده است و کمک می‌کند تا جامعه به حس مشترکی متعلق به همه اعضا دست پیدا کند؛ برای مثال، انسجام اجتماعی در اروپا، به عنوان فرایندی به سمت کاهش نابرابری تعریف شده و به طور کلی، نسبت به حفاظت از محرومیت اجتماعی عمل خواهد کرد (برگر، ۲۰۰۴: ۳).

نظریه‌پردازان اجتماعی اغلب استدلال می‌کنند که انسجام اجتماعی در جوامع توسعه‌یافته در معرض خطر ناشی از فشارهای متعدد جهانی شدن قرار دارد (گرین و همکاران: ۲۰۱۱: ۱).

اسپنسر اعتقاد دارد که به موازات رشد جامعه، اجزای آن با یکدیگر ناهمانندی پیدا می‌کنند و این خود نمایانگر افزایش بعد ساختار است. اجزای ناهمانند فعالیت‌های ناهمانندی را همزمان به عهده می‌گیرند؛ این فعالیتها هرچند که متفاوت با یکدیگرند، اما چنان به هم وابسته‌اند که انجام فعالیت هرکسی به فعالیت دیگری بستگی دارد. همین یاری متقابل، موجب وابستگی متقابل اجزا می‌شود و این اجزای به هم وابسته که به وسیله و برای دیگری زندگی می‌کنند، بر پایه همان اصل عامی که یک ارگانسیم فردی را می‌سازد، مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهند (کوزر، ۱۳۸۳: ۱۳۸).

نظریات انسجام اجتماعی سطح کلان، در روند جهانی شدن با فرسایش کلی در سطح ملی همراه هستند؛ بنابراین انسجام اجتماعی در روند شهرنشینی تضعیف و این مسأله در بسیاری از گرایش‌های اجتماعی، به فرسایش هویت ملی منجر شده که نتیجه آن افزایش

فردگرایی و نابرابریهای ساختاری در جوامع مدرن است. از نظر کاستلز جهانی شدن باعث تضعیف دولت - ملت‌ها شده و نیروهای سرمایه‌داری فراملی، خود چالشی بزرگ بر سر راه انسجام ملی تلقی می‌شوند (کوزر، ۱۳۸۳: ۳)؛ بنابراین با توسعه شهرنشینی، موضوع همبستگی در شکل و محتوای خود دستخوش تحول گردید. در واقع قبلی از تبیین موضوع همبستگی به عنوان جنبه نیرومند و پایدار روابط اجتماعی، می‌توان به مسأله تطور در شبکه روابط اجتماعی در شهرها پرداخت. شهرها یعنی همان آبادیهای گسترش یافته در مراکز طراحی شده و هدفمند جغرافیایی، سلوک و روش اجتماعی متفاوت از مناطق کوچکتر را برای ساکنان خود فراهم ساخته‌اند. فزونی جمعیت و تنوع خواست و تقاضا، ویژگی مشترک شهرها از گذشته تاکنون بوده است؛ همین موضوع، مبانی زندگی همبستگی اجتماعی را در یک واحد فضایی-اجتماعی به نام شهر تحت تأثیر قرار داده است؛ از این رو، با سر برآوردن شهرنشینی و توسعه آن، همبستگی اجتماعی در شهرها و اشتراک در هنجارها و ارزشهای مشترک، گرفتار تجزیه و تأخیر گردید. اگر از تفاسیر لزوماً اقتصادی در تحلیل ماهیت سوداگرانه زندگی شهری و تشدید منافع طبقاتی در شهرها بگذریم، این موضوع همانگونه که ابن خلدون در مقدمه و در فصل بادیه‌نشینی می‌نویسد، نمی‌تواند مورد انکار قرار گیرد که شهرنشینی مرحله دستیابی به رفاه و تنم بیشتر برای شهرگزیان و مقدمه تجزیه روابط مستحکم قبلی میان آنان است. چرا شهرها در تاریخ نتوانستند اشکال گوناگون روانشناختی در همبستگی را که عبارت است از برخورداری از احساس، درک و حمایت مشترک از یکدیگر و تقویت تلقی واحد از زندگی و اهداف آن، میان ساکنان خود حفظ کنند؟ برای این موضوع، جامعه‌شناسی شهری ممکن است به تفسیرهای مختلف متوسل گردد. از نظر ابن خلدون تحول در جمعیت و انتقال از زندگی بادیه‌ای به حضارتی و گسترش منابع اقتصادی و ثروت در بین ساکنان شهر، عامل مهمی برای سقوط اخلاقیات اجتماعی از جمله کاهش عصبیت بوده است. دورکیم نیز رشد جمعیت و ضرورت اسکان در واحدهای اجتماعی بزرگتر و نیز انقلاب در تقسیم کار اجتماعی را موجب تحول از همبستگی مکانیکی به همبستگی ارگانیکی می‌داند. برای دورکیم همبستگی مکانیکی،

نمودار عشق افراد و سلوک و آداب اجتماعی آنها با یکدیگر است. در مرحله همبستگی اجتماعی، هویت فرد با مشخصات جامعه شناخته می‌شود و افراد از طریق انسجام روانشناختی و به کمک مقولات فرهنگی، اعتقادی، حقوقی و با جامعه احساس یگانگی کامل پیدا می‌کنند. به نظر او در چنین شرایطی، حضور فیزیکی، روابط همبسته، اعتقادات اخلاقی و وابستگی‌های عاطفی با یکدیگر توضیح داده می‌شود. دورکیم هسته اولیه همبستگی فوق را در مجاورت افراد می‌داند. مجاورت بر تعداد کنش‌ها و تشدید تأثیرات متقابل افراد تأثیر بسزایی دارد و سازمان‌دهنده همبستگی مبتنی بر قواعد اخلاقی، اعتقادی و هنجاری است. آشکار است که همبستگی می‌تواند تأثیر مثبتی بر روند جامعه‌پذیری داشته باشد. از این رو می‌توان استدلال کرد بین گسستگی روابط اعضای خانواده و رشد عاطفی رابطه معکوسی وجود دارد، بین اعتقادات اخلاقی و وابستگی عاطفی اعضای گروه نیز رابطه معناداری وجود دارد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۱۰).

ابن خلدون در بررسی جامع خود، عوامل متعددی را به عنوان پیش‌فرض اساسی در تبیین موضوع رواج فرهنگ تخریب روابط انسانی و جایگزین شدن الگوهای جدید از منافع و درخواستهای شخصی در شهرها مطرح می‌کند. در نظر ابن خلدون، علل اصلی تمایل شهروندان به سوی منافع شخصی و سوداگران، غفلت از حمایت‌های مشترک از یکدیگر، کاهش احساس مسؤولیت مشترک در قبال عوارض محیطی، افزایش رفاه و ناملایمتهای اجتماعی و مهمتر از همه، کاهش عصبيت و یا همان پیوستگی‌های قومی، گروهی و جمعی شامل ماهیت زندگی مدنی در شهرها، فزونی جمعیت و رویارویی متعدد شهروندان، رشد فرهنگ رفاه و تن‌آسایی و رواج اندیشه خودخواهانه برخاسته از فرهنگ شکوه و جلال شهری می‌داند (موسوی، ۱۳۸۱: ۱۱۵).

پاره‌ای از محققان تاریخی در تحلیل چگونگی همبستگی اجتماعی به طور مشخص عواملی از قبیل گرایش قومی و نژادی، اعتقاد مشترک دینی، احساس تعلق گروهی و خلاصه، برخورداری از هویت، شناسنامه تاریخی و قومی را ملاک کارکردگرایانه در شناخت موضوع همبستگی قرار داده‌اند؛ مثلاً ابن خلدون در تعریف عصبيت بر مفاهیم

پیوند و همبستگی که بر اساس روابط خویشاوندی و قومی اصیل به دست می‌آید، تأکید دارد. موضوع عصبیت ابن خلدون دارای صورتی ذهنی نیست، بلکه واقعیتی است که سبب رفتار و عمل فرد می‌شود. از سوی دیگر، مفاهیم دیگری در علوم اجتماعی جدید برای تبیین بیشتر موضوع همبستگی مورد استفاده قرار گرفته است. چلبی محقق جامعه‌شناس در این باره می‌نویسد: «وفاق اجتماعی عبارت است از توافق جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی که در یک میدان تعامل اجتماعی که خود موجود عاطفی است، به وجود می‌آید. انرژی عاطفی همزمان نتیجه و محصول علت و معلول، توافق اجتماعی است. بدین ترتیب معلوم می‌گردد که توافق اجتماعی بر سر اصول و هنجارهای اساسی، نوعی انرژی عاطفی بازتولید می‌کند. این حس، نوعی تکلیف بین افراد ایجاد می‌کند و موجب نوعی احساس مسئولیت و تعهد اجتماعی می‌گردد، به طوری که زمینه برای همبستگی اجتماعی تأمین خواهد شد» (چلبی، ۱۳۷۲: ۱۷ و ۱۸).

توجه به این موضوع که شهرهای بزرگ با توجه به شرایط توسعه‌یافته ساختاری و اداری، زمینه را برای پیدایش روابط مناسبات جدید فراهم می‌نمایند، سبب می‌گردد که کیفیت زندگی، رشد و تحول آن در کانون مناسبات جدید اجتماعی و تحت تأثیر قواعد و الزامات نوع دیگری قرار گیرد. تجارب جدید علمی نشانگر غلبه فرهنگ برخورداری مادی و گسترش رقابتهای اقتصادی و اجتماعی است که این روند بویژه در کلانشهرها، تباهی اخلاقی و اجتماعی را تشدید نموده است. روح همدلی، صمیمیت، احساس مسئولیت مشترک اجتماعی، فداکاری و گذشت تضعیف شده و جای آن را توسل به رقابت، سبقت‌جویی و حس انتقام در شهرنشینان گرفته است. در کنار دیدگاهی که شهر و شهرنشینی را توسعه فرصتهای انسانی تعریف می‌کند و برآمدن تمدن انسانی را در درون شهرها ممکن و قابل قبول می‌داند، دیگر نظریه‌ها در این خصوص نیز قابل توجه هستند. شهرها از بدو پیدایش خصوصاً در عصر سرمایه‌داری و صنعتی شدن جوامع، در درون خود چالشهای مختلفی داشته‌اند. می‌توان گفت چالشهای فوق از درون ساختار و روابط درون شهر سر برآورده و به بحرانهای اجتماعی در درون شهرها تبدیل شده‌اند. از نگاه

جامعه‌شناسی شهری، شهرها به مکان رشد جرایم و ناهنجاری‌های رفتاری تبدیل و عدم نهادینگی اخلاق و ارزش‌های معنوی موجبات توسعه پرخاشگری، کنشهای متقابل منفصل و گسترش فساد اجتماعی را فراهم کرده‌اند. «بررسی‌های جامعه‌شناختی این موضوع را ثبات می‌کند که از جمله علل رشد و گسترش آسیب‌های اجتماعی در شهرها، ارتباط بسیار نزدیک آنها با ویژگی‌های ناپایداری انسجام و عدم پایداری کارکردی هنجارها و قواعد عمومی پذیرفته شده در میان آنهاست» (موسوی، ۱۳۸۱: ۸۵).

رابطه میان نظم اجتماعی و همبستگی اجتماعی در کلانشهرها از سوی تعدادی از جامعه‌شناسان، به عنوان نمادی از نوع روابط اجتماعی و درجه ثبات و نوع کارکرد آن جامعه در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر، در تحلیل و بررسی شهرهای جدید و بررسی میزان نظم‌پذیری افراد در قبال سایرین، موضوع همبستگی اجتماعی تعیین‌کننده نوع نظم و جهت اجتماعی آن معرفی شده است. «آیزنشتاک درست متذکر می‌شود که مهمترین مسأله نظم اجتماعی برای دورکیم و تا حدودی تونیس، اعتماد و همبستگی اجتماعی است؛ یعنی بدون انسجام و نوعی اعتماد، پایداری نظم اجتماعی ممکن نیست. ترنر تحت تأثیر دورکیم انسجام را فرایند سازمان‌دهنده نظم اجتماعی می‌داند که واحدهای اجتماعی منفک را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. به نظر می‌رسد که برای ترنر یکی از مسائل اساسی نظم اجتماعی، انسجام باشد» (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲ و ۱۳).

فقدان همبستگی اجتماعی و یا تأثیر متغیرهای تأثیرگذار در کاهش آن، عامل عمده در شکل‌گیری روند فرار از نظم و ترتیبات عام اجتماعی است. افراد هر قدر نسبت به مشترکات فرهنگی و آرمانی خود همبسته و در برابر ارزش‌های همه‌خواهانه تسلیم باشند، تعهد و پایبندی‌شان در رعایت هنجارها و قواعد زندگی جمعی بیشتر خواهد بود.

بنا بر نظر چلبی «وجود میزانی از نظم اجتماعی برای هر جامعه‌ای ضروری و لازم به نظر می‌رسد اما ابراز این نظم همان همبستگی اجتماعی است». با وجود وفاق و همبستگی اجتماعی و ظهور اعتماد اجتماعی متقابل، زمینه برای همکاری و مشارکت اجتماعی به

وجود خواهد آمد و این باعث خواهد شد تا توسعه اجتماعی در سایه نظم اجتماعی که محصول وفاق و همبستگی اجتماعی است، حاصل آید» (میزگرد وفاق ملی، ۱۳۷۸: ۲۵).
 با توجه به مطالب بیان شده، در تحقیق حاضر فرض شده است که متغیرهای اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی، مشارکت اجتماعی و رضایت از زندگی به عنوان متغیر مستقل، بر انسجام اجتماعی به عنوان متغیر وابسته تأثیر می‌گذارند.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه است. جامعه آماری در این تحقیق شهروندان ۶۰-۱۵ ساله شهر کرمانشاه هستند که طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت آنان ۱۲۵۵۳۱۹ نفر بوده است که از این تعداد ۶۳۵۳۴۵ نفر مرد و ۶۱۹۹۷۴ نفر زن هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

در این تحقیق برای تعیین حجم نمونه از جدول مورگان استفاده شده است و برای بالارفتن دقت در انتخاب نمونه در سطح خطای کمتر از ۵ درصد، حجم نمونه ۴۰۰ نفری در نظر گرفته شده است.

اعتبار ابزار سنجش از نوع اعتبار صوری و آلفای کرونباخ پایایی هریک از متغیرها در جدول زیر آمده است:

جدول شماره (۱): ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای مختلف تحقیق

ردیف	نام متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
۱	انسجام اجتماعی	۱۲	۰/۷۳
۲	اعتماد اجتماعی	۶	۰/۷۷
۳	اعتماد نهادی	۶	۰/۸۷
۴	مشارکت اجتماعی	۸	۰/۸۹
۵	رضایت از زندگی	۶	۰/۷۱

نتایج توصیفی:

نتایج نشان داد ۵۰/۶ درصد پاسخگویان مرد و ۴۹/۴ درصد پاسخگویان زن بوده‌اند. میزان تحصیلات پاسخگویان به صورت زیر دیپلم: ۱۲/۸ درصد، دیپلم: ۲۴/۶ درصد، فوق دیپلم: ۱۷/۶ درصد لیسانس: ۳۵ درصد، فوق لیسانس و بالاتر: ۱۰ درصد بود. ۱۶ درصد پاسخگویان در گروه سنی ۱۵-۲۵، ۲۵/۵ درصد در گروه سنی ۲۶-۳۶، ۳۵/۵ درصد در گروه سنی ۳۷-۴۷ و ۲۴ درصد در گروه سنی ۴۸-۶۰ بودند. نتایج نشان می‌دهد ۳/۵ درصد پاسخگویان اعتماد اجتماعی زیاد، ۷۵/۴ درصد پاسخگویان اعتماد اجتماعی متوسط و ۱۸/۵ درصد پاسخگویان، اعتماد اجتماعی کم دارند. ۳۶ درصد پاسخگویان اعتماد نهادی زیاد، ۵۶/۶ درصد پاسخگویان اعتماد نهادی متوسط و ۷ درصد پاسخگویان اعتماد نهادی کم دارند. نتایج همچنین نشان می‌دهد ۴۱/۲ درصد پاسخگویان مشارکت اجتماعی زیاد، ۵۴/۶ درصد پاسخگویان مشارکت اجتماعی متوسط و ۳/۲ درصد پاسخگویان مشارکت اجتماعی کم دارند.

نتایج استنباطی:

در این تحقیق فرض شده است که اعتماد اجتماعی بر انسجام اجتماعی افراد در شهر کرمانشاه اثرگذار باشد. جدول شماره (۲) این رابطه را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۲): ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین میزان اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی در کرمانشاه

سطح معناداری	مقدار t	بتای استاندارد شده	ضرایب استاندارد		
			خطای استاندارد	ضریب بتا	
۰/۹۷۱	-۰/۰۳۶		۰/۴۲۰	-۰/۰۱۵	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۷/۴۷۳	۰/۶۷۲	۰/۱۶۹	۱/۲۶۴	متغیر مستقل اعتماد نهادی E_1

ضریب به دست آمده برای متغیر میزان اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی برابر (۰/۶۷۲) با سطح معناداری (sig=۰/۰۰۰)، بیانگر رابطه مثبت و مستقیم بین دو متغیر مذکور است، به این معنا که با افزایش میزان اعتماد اجتماعی، میزان انسجام اجتماعی آنها افزایش می‌یابد.

متغیر دیگری که فرض شده بر انسجام اجتماعی تأثیرگذار باشد اعتماد نهادی است که مقادیر آن در جدول شماره (۳) آورده شده است.

جدول شماره (۳): ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین میزان اعتماد نهادی و انسجام اجتماعی

در کرمانشاه

سطح معناداری	مقدار t	بتای استاندارد شده	ضرایب استاندارد		
			خطای استاندارد	ضریب بتا	
۰/۰۰۱	۳/۴۹۴		۰/۳۵۱	۱/۲۲۶	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۵/۴۲۷	۰/۵۵۰	۰/۱۲۵	۰/۶۷۸	متغیر مستقل اعتماد نهادی P_2

ضریب به دست آمده برای متغیر میزان اعتماد نهادی و انسجام اجتماعی برابر (۰/۵۵۰) با سطح معناداری (sig=۰/۰۰۰)، بیانگر رابطه مثبت و مستقیم بین دو متغیر مذکور است، به این معنا که با افزایش میزان اعتماد نهادی، میزان انسجام اجتماعی آنها افزایش می‌یابد. همچنین فرض شده که بین میزان مشارکت اجتماعی افراد و انسجام اجتماعی در شهر کرمانشاه رابطه‌ای وجود دارد و آمار مربوط به آن در جدول شماره (۴) گزارش شده‌اند.

جدول شماره (۴): ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین میزان مشارکت اجتماعی افراد و

انسجام اجتماعی در کرمانشاه

سطح معناداری	مقدار t	بتای استاندارد شده	ضرایب استاندارد		
			خطای استاندارد	ضریب بتا	
۰/۰۰۰	۳/۷۹۴		۰/۳۸۲	۱/۴۴۸	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۴/۳۷۲	۰/۴۷۱	۰/۱۵۰	۰/۶۵۶	متغیر مستقل مشارکت اجتماعی G_3

با توجه به اعداد به دست آمده یعنی سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($\text{sig}=۰/۰۰۰$) و ضریب همبستگی پیرسون مثبت ($r=۰/۴۷۱$) می توان این نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معناداری بین میزان مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی در کرمانشاه وجود دارد. متغیر دیگری که در نظر گرفته شده است، میزان رضایت از زندگی است یعنی فرض؛ شده که بین میزان رضایت از زندگی افراد و انسجام اجتماعی آنها در شهر کرمانشاه رابطه ای وجود داشته باشد. جدول شماره (۵) ارقام این ارتباط را نشان می دهد.

جدول شماره (۵): ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین میزان رضایت از زندگی افراد و انسجام

اجتماعی در کرمانشاه

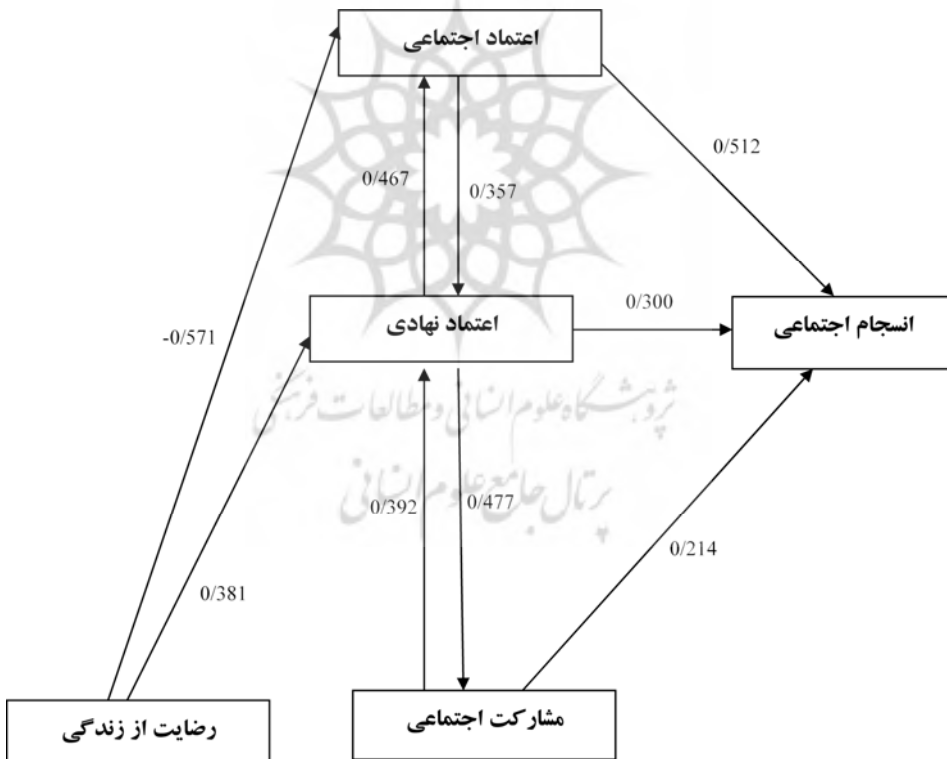
سطح معناداری	مقدار t	بتای استاندارد شده	ضرایب استاندارد		
			خطای استاندارد	ضریب بتا	
۰/۰۰۰	۶/۹۹۷		۰/۴۴۹	۳/۱۴۱	مقدار ثابت
۰/۷۹۴	-۰/۲۶۲	-۰/۰۳۲	۰/۱۹۹	-۰/۰۵۲	متغیر مستقل میزان رضایت از زندگی افراد K_4

با توجه به اعداد به دست آمده یعنی سطح معناداری بیشتر از ۵ درصد ($\text{sig}=0/794$) و ضریب همبستگی پیرسون منفی ($r=-0/032$)، می‌توان این نتیجه گرفت که رابطه مستقیم و معناداری بین میزان رضایت از زندگی و انسجام اجتماعی در کرمانشاه وجود ندارد.

تحلیل مسیر:

پس از ۴ مرحله انجام رگرسیون، میزان تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به صورت نمودار و جدول زیر است:

مدل تجربی



نمودار شماره (۱): مدل تجربی تحقیق

جدول شماره (۶): میزان تاثیر مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

انسجام اجتماعی

متغیرها	انواع تأثیر	
	مستقیم	غیر مستقیم
اعتماد اجتماعی	۰/۵۱۲	۰/۱۴۳
اعتماد نهادی	۰/۳۰۰	۰/۳۴۱
مشارکت اجتماعی	۰/۲۱۴	۰/۲۱۱
رضایت از زندگی	-	-۰/۱۳۰
کل	۰/۶۵۵	۰/۶۴۱

تحلیل رگرسیون:

نتایج آزمون رگرسیون چندگانه در تبیین انسجام اجتماعی، نشان می‌دهد ضریب همبستگی چندگانه (R) متغیرهای مستقل یعنی اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی، مشارکت اجتماعی و رضایت از زندگی برابر است با ۰/۷۸۴ یعنی می‌توانند مجموعاً ۶۱ درصد از واریانس متغیر وابسته انسجام اجتماعی را تبیین کنند.

جدول شماره (۷): محاسبه معادله ساختاری

سطح معناداری	مقدار t	بتای استاندارد شده	ضرایب استاندارد		
			خطای استاندارد	ضریب بتا	
۰/۱۹۴	-۱/۳۱۳		۰/۵۶۱	-۰/۳۷۴	مقدار ثابت
۰/۴۸۱	-۰/۷۰۹	۰-/۰۷۳	۰/۱۷۳	۰-/۱۲۲	میزان رضایت از زندگی افراد
۰/۰۰۰	۵/۲۸۰	۰/۵۱۲	۰/۱۸۲	۰/۹۶۳	اعتماد نهادی
۰/۰۰۹	۲/۷۰۳	۰/۳۰۰	۰/۱۳۹	۰/۳۷۶	اعتماد نهادی
۰/۰۳۷	۲/۱۲۶	۰/۲۱۴	۰/۱۴۰	۰/۲۹۸	مشارکت اجتماعی

معادله ساختاری:

$$q29 = - 0/737 - 0/122K_4 + 0/963E_1 + 0/376P_2 + 0/298G_3$$

نتیجه‌گیری

اگر بخواهیم نوع عالی جامعه‌ای را که انسجام درونی آن منحصراً وابسته به همانندی‌هاست از طریق فکری بسازیم باید آن را به صورت توده‌ای مطلقاً همسان در نظر بگیریم که فرقی مابین اجزای آن در کار نیست؛ بنابراین نظامی مابین خودشان ندارند، خلاصه هیچگونه شکل معین یا سازمان معینی در آنها نیست. این نوع جامعه به راستی در حکم نوعی پرتوپلاسم اجتماعی است؛ یعنی در حکم نطفه‌ای است که همه انواع اجتماعی از آن برمی‌خیزند (دورکیم، ۱۳۸۷: ۱۵۷). دورکیم معتقد به تکامل اجتماعی بود، وی تصور می‌کرد که جوامع انسانی از شکل ابتدایی به سوی پیچیده تکامل پیدا می‌کنند. به نظر او، بهترین جای آغاز مطالعه، فرهنگهای ساده و بدوی است. زمانی که او با این دیدگاه به فلسفه آگوست کنت برخورد کرد، عمدتاً آن را رد کرد. وی تعبیر فریزر را نیز رد کرد؛ تعبیری که تصویری از انسانیت ارائه می‌دهد که به طور یکنواخت از خلال مراحل جادو، دین و علم به پیش می‌رود. دورکیم در برابر انسان‌شناسان انگلیسی، تأکید می‌ورزد که ما نباید از روش مقایسه‌ای برای جمع‌آوری اتفاقی رسوم و عقاید از گوشه و کنار جهان و سپس قرار دادن آنها (بدون در نظر گرفتن زمینه‌هایشان)، در طرحهای از پیش آماده شده پیشرفت تاریخی، استفاده کنیم. به نظر او، آنچه که ما باید انجام دهیم این است که بر روی جامعه واحدی متمرکز شویم، آن را به دقت مورد ارزیابی قرار دهیم و به امور خرد و جزئی توجه کنیم. تنها بعد از آنکه این کار جدی انجام شد، نظریه‌پردازان می‌توانند مقایسه‌های بسیار محدودی را با جوامع دیگر انجام دهند. دورکیم اصرار می‌ورزد که علم حقیقی به آرامی عمل می‌کند؛ یعنی از نمونه‌های اندکی که به دقت مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند و نه از شمار زیادی که با شتاب جمع‌آوری شده‌اند (پالس، ۱۳۸۲: ۱۱). در حقیقت، دورکیم معتقد است زمانی که پدیده‌ای اجتماعی را تبیین می‌کنیم، باید علت موثر و سپس کارکرد آن را به طور جداگانه بیابیم. در واقع، کارکرد یا تبیین کارکردی در نظر دورکیم به عنوان یک رویکرد روش‌شناختی مورد توجه جدی و از اهمیت بیشتری نسبت به تبیین علی برخوردار است. ما باید تعیین کنیم که آیا میان واقعیت مورد بررسی و نیازهای عمومی ارگانسیم

اجتماعی تطابقی وجود دارد و چه چیزهایی را شامل می‌شود. بنابراین اولاً: در تبیین یک واقعیت اجتماعی نشان دادن علت آن کافی نیست، بلکه باید کارکرد آن را نسبت به سامان اجتماعی نشان دهیم. ثانیاً: تبیین و تحلیل کارکردی، امری جدای از بررسی ریشه‌های تاریخی و علت‌های پدیده‌ها و همچنین جدا از منظور و انگیزه‌های فردی است؛ هر چند در تحلیل‌های جامعه‌شناختی از بررسی‌های تاریخی هم باید استفاده کرد (کوزر، ۱۳۸۳: ۲۰۱-۲۰۳).

با وجود تفاوت در معنا و مفهوم و کاربرد همبستگی اجتماعی، معیارهای عمومی شناخت این مقوله در نزد اکثر جامعه‌شناسان مشترک است. مهمترین خصوصیت معیارهای فوق، سنجش و اندازه‌گیری تعلق و پیوستگی‌های افراد همگن شهرنشین در قبال هنجارها، ارزشها، قواعد عمومی زندگی، رفتارهای تعمیم‌یافته و در مجموع فرهنگ و سلوک زندگی جمعی است. اما باید افزود که پویایی و تحرک از جمله نتایج عمده شهرنشینی است که بر کیفیت و شرایط همبستگی دارای تأثیرات فراوان است؛ بدین سبب گفته می‌شود که همراه با رشد شهرنشینی و توسعه روابط اجتماعی و نیز پیدایش اشکال جدید از فعالیت‌ها و سلايق، همبستگی اجتماعی نوع گذشته به تدریج جای خود را به اشکال جدید پیوستگی اجتماعی می‌دهد.

دورکیم در تحلیل خود از کارکرد همبستگی اجتماعی، به شکل‌گیری اشکال جدید سازمان کار و همبستگی صنفی می‌پردازد. دورکیم در کتاب تقسیم کار اجتماعی، موضوع صنعتی شدن روابط اجتماعی در دوران جدید و ضرورت بازیابی نوع جدید از تعلقات جمعی و در نتیجه پیوستگی اجتماعی را مورد توجه قرار داده است. انسجام اجتماعی حالت ثابت و پایداری نیست که در هر کنشگری وجود داشته باشد، بلکه تنها در مجموعه‌ای از کنشگران و از طریق فضای اجتماعی است که شکل می‌گیرد، بنابراین طی یک فرآیند طولانی مدت، سرمایه اجتماعی در یک جامعه نتیجه پاداشی است که از انسجام اجتماعی بالا در میان جوامع به دست می‌آید (جانسون، ۲۰۰۳: ۶۳۴).

در پایان می‌توان گفت توسعه همبستگی اجتماعی در شهر مستلزم بررسی‌های مختلف

و تصمیم‌سازیهای خردمندان، علمی و پایدار است. نخست آنکه لازم است مسأله افزایش جمعیت شهری قرار گیرد، ثانیاً ضرورت دارد با توجه به ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی کاهش همبستگی اجتماعی و در تلاش برای حل معضلات، شرایط تغییر مطلوب در روابط اجتماعی در کلانشهرها فراهم گردد. به نظر می‌رسد توزیع و تجهیز امکانات و خدمات در سطح شهروندان، مانع عمده‌ای در جلوگیری از تشدید تعارضهای شهری و در نتیجه فرسایش روابط انسانی است. نتایج این پژوهش گویای این واقعیت است که سرمایه‌گذاری بر افزایش اعتماد، مشارکت و فرهنگ‌پذیری می‌تواند عامل مهمی در ایجاد وفاق و انسجام در شهرهای امروزی باشد و کرمانشاه نیز از این قاعده مستثنی نیست. این موضوع قابل توجه است که شهرنشین بودن صرفاً معنای شهروندی را نمی‌رساند و تنها با وجود حس شهروندی است که مفهوم مسئولیت و حقوق شهری تحقق پیدا می‌کند؛ بنابراین ضرورت دارد که برای تکوین پایدار همبستگی شهری، نوعی درک و احساس شهروندی توسط نهادها و سازمانهایی چون شهرداری‌ها، مراکز اداری در سطح شهرهای بزرگ، نهادهای رسانه‌ای، فرهنگسراها و انجمنهای غیردولتی مورد آموزش و توسعه قرار گیرد.

منابع

- احمدی، حسن. (۱۳۷۰). «طرح‌ریزی کالبدی»، نشریه معماری و شهرسازی، دوره سوم، شماره ۱۸، ص ۴۸.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۳). «بررسی رابطه بین انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان‌یافته روستاییان در نواحی روستایی شهرستان کاشان». فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۲۰۵-۱۷۵.
- افروغ، عماد. (۱۳۷۷). *فضا و نابرابری اجتماعی*. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- _____ (۱۳۷۸). «خرده فرهنگ‌ها، مشارکت و وفاق اجتماعی»، مجموعه مقالات وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ص ۱۴۰.

- بیرو، آلن. (۱۳۷۰). **فرهنگ علوم اجتماعی**. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان.
- پالس، دانیل. (۱۳۸۲). **هفت نظریه درباره دین**، ترجمه عزیز بختیاری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- تنهایی، ابوالحسن. (۱۳۷۵). **نظریه‌های جامعه‌شناسی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۲). «**وفاق اجتماعی**»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳، صص ۱۷-۱۸.
- _____ (۱۳۷۵). **جامعه‌شناسی نظم**. تهران: انتشارات نی. صص ۱۲-۱۳.
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۷). **درباره تقسیم کار اجتماعی**. ترجمه باقر پرهام. تهران: نشر مرکز.
- ربانی، رسول؛ حبیبی، صفدر. (۱۳۹۰). «**تحلیلی بر نقش فضاهای شهری در ایجاد سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: شهر شهرکرد)**»، فصلنامه مطالعات شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، زمستان ۱۳۹۰، سال اول، شماره اول. صص ۱۸-۱.
- رضوی‌الهاشم، بهراد؛ کاظمی، علی و رضوی، بهزاد. (۱۳۸۸). «**هویت‌های قومی، انسجام اجتماعی، امنیت ملی**». کتاب ماه علوم اجتماعی»، دوره جدید، تیر ۱۳۸۸ - شماره ۱۶، صص ۲۳-۱۶.
- غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن. (۱۳۸۶). **جامعه‌شناسی مشارکت**. تهران: نشر نزدیک.
- کوزر، لیوئیس. (۱۳۸۳). **زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی**. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- کوهی، کمال. (۱۳۸۲). **سنجش میزان مشارکت اقتصادی و اجتماعی روستاییان در طرح‌های عمرانی و بررسی برخی از عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان ورزقان)**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۰). «**شهر، خانواده و انحراف (بررسی آثار پاتولوژیکال شهرگرایی در شکل تمایل به وندالیسم در نوجوانان متعلق به خانواده‌های مهاجر شهری)**»، همایش موازین توسعه فرهنگ و ضد فرهنگ شهر تهران، معاونت هنری و فرهنگی شهرداری.

- موسوی، یعقوب. (۱۳۸۱). «پدیده کاهش همبستگی اجتماعی در کلانشهرها»، مجله مدرس علوم انسانی، شماره ۲۷. صص ۸۵، ۱۱۵-۱۱۴
- میزگرد وفاق اجتماعی. (۱۳۷۸). فصلنامه مطالعات ملی، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات ملی.
- نوا بخش، مهرداد؛ نظری، جواد و ایدر، نبی‌الله. (۱۳۸۸). «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر انسجام اجتماعی در بین روستاییان»، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال سوم، شماره هفتم.
- نیازی، محسن. (۱۳۹۰). «تبیین رابطه سطح تحصیلات و میزان انسجام ملی و اجتماعی شهروندان». فصلنامه مطالعات ملی، سال چهارم، شماره ۱۲.
- نیازی، محسن؛ فرشادفر، یاسمن. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه بین میزان اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال و مناطق جنوب شهر تهران». فصلنامه مطالعات شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان، زمستان ۱۳۹۰، شماره اول.
- Berger, Schmitt R (2000) Social cohesion as an aspect of the quality of societies: Concept and measurement, EuReporting Working Paper No. 14, Manheim, Centre for Survey Research and Methodology. Brussels: Commission of the European Communities.
- Green andy, germ Janmaat And helen Cheng. (2011). Social Cohesion: Converging And Diverging Trends, National Institute Economic Review No. 215 January.
- Peters, Karin & Etal. (2009): "Social interactions in Urban Parks: Stimulating social cohesion?" Urban Forestry & Urban Greening, Wageningen university. The Netherlands.
- Rajulton F, ravanera ZR and beaujot R (2007) Measuring social cohesion: An experiment using the Canadian National Survey of Giving, Volunteering, and Participating. Social Indicators and Research 80: 461-492.
- Ritzer , George.(2011).Sociological Theory. Eighth Edition New York: McGraw Hill.
- Vergolini, Loris. (2011). Social cohesion in Europe: How do the different dimensions of inequality affect social cohesion?, International Journal of Comparative Sociology 52(3) 52(3) 197-214